Payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۹۸۸
سه‌شنبه ۲۹/ اردیبهشت/ ۱۴۰۵
۲ / ذوالحجه / ۱۴۴۷
19 / May / 2026

صاحب‌امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۳۴۳-۰۲۶۰ دکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

غزل ۲۲۵ امروز با حافظ

ساقی حدیث سرو و گل و لاله می‌رود
وین بحث با ثلاثه غساله می‌رود
می ده که نوعروس چمن حد حسن یافت
کار این زمان ز صنعت دلاله می‌رود

غزل دل

لحظه‌هامی گذرند، گرم باشیم و پر از فکر و امید
مشق باشیم و سراسر خورشید
زندگی، همهمه‌ای از دردشده
خاطره‌هاست
بی‌خیال همه تلخی‌ها
هر کجایی خندیم هر کجا
خنداند یم زندگانی آنجاست...
سهراب سپهری

اذان گرج: اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۱۷	۰۴:۵۷	۱۲:۰۳	۱۹:۰۸	۱۹:۲۹

برگه: آدم وقتی که کسی در انتظارش هست به این سادگی نمی‌میرد...
آلبر کامو

گزارش روز

چرا وقت آشتی با تیم ملی است؟

یک نکته مهم را نباید فراموش کرد: کارکرد اجتماعی فوتبال، فراتر از محبوبیت یا عدم محبوبیت بازیکنان است. حتی اگر از برخی فوتبالیست‌ها دلخور باشیم، فوتبال هنوز می‌تواند کارکردی داشته باشد که کمتر پدیده دیگری در جامعه امروز ایران دارد: ایجاد یک تجربه جمعی کوتاه از هیجان، امید و همدلی.

به گزارش پیام آشنا به نقل از خراسان، روزهایی بود که برای با هم بودن و مثل هم بودن بهانه‌های فراوانی داشتیم، از برنامه‌های تلویزیون که اصطلاحات‌شان در جامعه تکرار می‌شد تا شوقی که خرید عید، بازگشایی مدارس و... در جامعه ایجاد می‌کرد. حتی در جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، تجاوز دشمن ما را زیر فصل مشترکی به نام ایران به هم نزدیک کرد.

اما حالا جامعه زیر فشار بحران‌های اقتصادی، روزمرگی‌های فرساینده و البته تعلیق جنگ نفس می‌کشد و بهانه برای این که از اسارت تلخی روزمرگی بیرون بیاییم و با دیگران حسی مشترک را تجربه کنیم کمیاب شده. نگرانی از تجاوز احتمالی دشمن، فشار معیشتی و... سفر و تفریح را برای بسیاری از خانواده‌ها به کالایی لوکس یا پرچالش تبدیل کرده، اینترنت هم که از آغاز جنگ قطع شد و حتی پس از آتش‌بس هم به‌طور کامل بازنگشت تا کسب‌وکارها، سرگرمی و سبک زندگی وابسته میلیون‌ها نفر به آن مختل شود؛ همه این‌ها جامعه‌ای ساخته که بیش از هر زمان دیگری به یک «لحظه مشترک» نیاز دارد.

لحظه‌ای که آدم‌ها بتوانند چند ساعت از اضطراب فاصله بگیرند و کنار هم بنشینند. در چنین شرایطی، شاید عجیب نباشد اگر بگوییم یکی از معدود چیزهایی که هنوز می‌تواند چنین لحظه‌ای بسازد، فوتبال است.

حسی مشترک برای جامعه‌ای پراکنده

جامعه‌شناسان سال‌هاست درباره کارکرد آیینی فوتبال حرف می‌زنند. فوتبال چیزی بیش از یک مسابقه است؛ شبیه یک آیین مدرن است که میلیون‌ها نفر را در یک زمان و یک احساس مشترک جمع می‌کند. چیزی شبیه همان «شور جمعی» که امیل دورکیم از آن حرف می‌زد: لحظه‌ای که آدم‌ها برای چند ساعت احساس می‌کنند بخشی از یک تجربه مشترک‌اند. در جامعه امروز ایران، چنین تجربه‌هایی کم شده است. بسیاری از رویدادهای عمومی، هرچقدر هم موفق و پرشور برگزار شوند، الزاماً نمی‌توانند همه سلیقه‌ها، نسل‌ها و سبک‌های زندگی را با خود همراه کنند؛ چراکه جامعه متکثرتر از آن شده که با یک زبان واحد به هیجان بیاید. اما فوتبال هنوز چنین ظرفیتی دارد. کودک و سالمند، دانشجو و کارمند، طبقات مختلف اجتماعی و حتی کسانی که معمولاً به یکدیگر بی‌اعتمادند، می‌توانند ۹۰ دقیقه کنار هم بنشینند و یک بازی را دنبال کنند. فوتبال هنوز یکی از معدود زبان‌های مشترک در جامعه است.

حتی اگر از فوتبال دلخور باشیم

البته حقیقت این است که حال مردم ایران با فوتبال هم چندان خوب نبوده است. سال‌هاست که فوتبال باشگاهی بیشتر از آن که هیجان بسازد، حاشیه تولید کرده است؛ از قراردادها و نقل‌وانتقال‌ها تا اختلاف‌ها، حیف و میل پول‌ها و در نهایت بی‌وفایی‌هایی که اعتماد هواداران را فرسوده کرده است. فوتبال ملی هم با نسلی بازی می‌کند که بسیاری از نمادهایش محبوبیت نسل‌های گذشته را ندارند. فاصله میان بازیکنان و زندگی روزمره مردم بیشتر شده و گاهی احساس می‌شود این تیم ملی کمتر از گذشته بازتابی از جامعه است. اما یک نکته مهم را نباید فراموش کرد: کارکرد اجتماعی فوتبال، فراتر از محبوبیت یا عدم محبوبیت بازیکنان است. حتی اگر از برخی فوتبالیست‌ها دلخور باشیم، فوتبال هنوز می‌تواند کارکردی داشته باشد که کمتر پدیده دیگری در جامعه امروز ایران دارد: ایجاد یک تجربه جمعی کوتاه از هیجان، امید و همدلی.

وقتی ورزش یک ملت را آشتی داد

نلسون ماندلا جمله معروفی دارد: «ورزش قدرت تغییر جهان را دارد. ورزش قدرت الهام‌بخشیدن و ایجاد اتحاد بین مردم را دارد.» این جمله صرفاً یک شعار نبود. ماندلا این قدرت را در عمل نشان داد. درست پس از پایان دوران آپارتاید، آفریقای جنوبی جامعه‌ای بود پر از خشم و بی‌اعتمادی. سیاهان دهه‌ها تحقیر و تبعیض را تجربه کرده بودند و بسیاری آماده انتقام بودند. کشور عملاً به دو پاره تقسیم شده بود.

در چنین فضایی، ماندلا تصمیم گرفت از ورزش برای آشتی ملی استفاده کند. سال ۱۹۹۵، آفریقای جنوبی میزبان جام جهانی راگبی شد؛ ورزشی که نماد سفیدپوستان بود و تیم ملی آن تقریباً کاملاً سفیدپوست محسوب می‌شد. بسیاری از سیاهان قصد داشتند این تیم را تحریم کنند.

اما ماندلا کاری غیرمنتظره کرد. او پیراهن همان تیم را پوشید و در ورزشگاه حاضر شد و از مردم خواست تیم کشورشان را تشویق کنند. نتیجه شگفت‌انگیز بود: سیاه و سفید کنار هم نشستند، یک تیم را تشویق کردند و وقتی آفریقای جنوبی قهرمان شد، جشن مشترکی در سراسر کشور شکل گرفت. آن مسابقه صرفاً یک بازی نبود: نقطه‌ای بود که جامعه‌ای زخمی برای نخستین بار طعم همدلی را دوباره چشید.

شاید فوتبال فقط یک بهانه باشد

ایران امروز، آفریقای جنوبی پس از آپارتاید نیست؛ اما شباهتی میان این دو تجربه وجود دارد: جامعه‌ای که زیر فشار خستگی و بحران‌های پی‌درپی قرار گرفته است. در چنین فضایی، حتی سرگرمی هم به مسئله‌ای جدی تبدیل می‌شود. رسانه ملی سال‌هاست نتوانسته لحظه‌های مشترک سرگرمی بسازد. دیگر خبری از سریال‌های خیابان خلوت‌کن یا برنامه‌هایی مثل خندوانه نیست که کوچک و بزرگ را کنار هم مقابل جعبه جادو می‌نشاند.

سینما هم که در یکی از دشوارترین دوره‌های خود قرار دارد و کمابیش جز کمدی‌های سخیف آن‌چنان چیزی در چنته ندارد. شبکه نمایش خانگی هم که دیگر آن شور سال‌های اول را ندارد، همه این‌ها باعث شده خانواده‌ها کمتر از گذشته بهانه‌ای برای کنار هم نشستن داشته باشند. روزهای بلند تابستان، شام خانوادگی، گپ‌های شبانه و تماشای جمعی یک رویداد مشترک: این‌ها چیزهای کوچکی به نظر می‌رسند، اما برای سلامت روانی یک جامعه اهمیت بزرگی دارند.

در چنین وضعیتی، جام جهانی آینده می‌تواند یک روزنه باشد. با فرمت ۴۸ تیمی، احتمال بازی‌های پرگل و شگفتی‌ها بیشتر شده و برای نخستین بار این امید وجود دارد که تیم ملی ایران بتواند از مرحله گروهی عبور کند. شاید این اتفاق بیفتد، شاید هم نه. فوتبال همیشه قابل پیش‌بینی نیست. اما حتی اگر نتیجه‌ها آن‌طور که می‌خواهیم پیش نرود، همین که میلیون‌ها نفر چند شب کنار هم بنشینند، درباره یک بازی حرف بزنند و برای یک گل از جا بلند شوند، اتفاق کوچکی نیست.

فوتبال هدف نیست، ابزار است

دعوت به آشتی با تیم ملی، دعوت به فراموشی مشکلات جامعه نیست. فوتبال قرار نیست مخدر جامعه باشد یا جایگزین نداشته‌های این روزهای زندگی. فوتبال فقط می‌تواند یک مکث کوتاه باشد: یک نفس تازه. یک گل شاید فقط چند دقیقه طول بکشد، اما همان چند دقیقه می‌تواند خانه‌ای را پر از هیجان کند، چند دوست را دور یک صفحه تلویزیون جمع کند و جامعه‌ای خسته را برای لحظه‌ای از روزمرگی جدا کند. ما با تیم ملی آشتی نمی‌کنیم چون همه چیز در فوتبال خوب است و بازیکنان و کادر فنی محبوب‌مان هستند، آشتی می‌کنیم چون جامعه‌ای که زیر فشار بحران‌ها زندگی می‌کند، به لحظه‌هایی از امید و هیجان نیاز دارد و گاهی، همه آنچه یک جامعه برای دوباره نفس کشیدن لازم دارد، فقط یک گل است.

اشاره

کالابرگ، بی‌اثر در برابر موج تورم

صف فروشگاه شلوغ‌تر از همیشه است، بعضی مشتری‌ها قیمت‌ها را با جاهای دیگر مقایسه می‌کنند و بعضی دیگر خریدشان را سبک‌تر از قبل بسته‌اند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از روزنامه آگاه، افزایش قیمت کالاهای اساسی حالا به بخشی از خرید روزمره خانواده‌ها تبدیل شده است. در ماه‌های اخیر قیمت بسیاری از اقلام خوراکی با رشد قابل توجهی همراه بوده و همین مسئله باعث شده بسیاری از خانوارها الگوی خرید و مصرف خود را تغییر دهند. در چنین شرایطی، سیاست‌هایی مانند کالابرگ بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ سیاستی که هدف آن کاهش فشار معیشتی و کمک به حفظ حداقل امنیت غذایی خانوارهاست. بررسی قیمت‌ها در بازار نشان می‌دهد هزینه تامین کالاهای اساسی در مقایسه قیمت‌های فروردین ۱۴۰۵ با فروردین سال گذشته رشد چشمگیری داشته است. قیمت هر کیلوگرم مرغ که در بهار سال گذشته در محدوده ۹۰ تا ۱۰۰ هزار تومان قرار داشت، حالا به حدود ۳۸۰ تا ۴۰۰ هزار تومان رسیده است. قیمت گوشت قرمز نیز از یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان عبور کرده و روغن، حبوبات و برنج هم با موج جدید افزایش قیمت روبه‌رو شده‌اند. آمارهای رسمی مرکز آمار نیز همین روند را تایید می‌کند. طبق داده‌های رسمی، قیمت روغن جامد طی یک سال گذشته بیش از ۳۷۰ درصد و روغن مایع بیش از ۳۰۰ درصد افزایش داشته است. قیمت برنج خارجی نیز بیش از ۲۰۰ درصد رشد کرده و مرغ و تخم‌مرغ هم افزایش قابل توجهی را تجربه کرده‌اند. بر اساس داده‌های مرکز آمار در فروردین ۱۴۰۵ از ۵۳ قلم خوراکی منتخب در نقاط شهری، ۴۱ قلم درصد تغییر سالانه بالاتر از نرخ تورم نقطه‌ای نقاط شهری کشور (۷۱ درصد) داشته‌اند. برخی فعالان بازار، بخشی از این افزایش قیمت‌ها را ناشی از شرایط جنگی، اختلال در واردات برخی کالاها، افزایش هزینه حمل‌ونقل و همچنین رفتارهای احتکاری در بازار می‌دانند. در کنار این عوامل، نوسانات نرخ ارز و افزایش هزینه تولید نیز فشار مضاعفی بر بازار کالاهای اساسی وارد کرده است. در همین حال، مسئولان و کارشناسان نیز نسبت به فاصله میان تورم خوراکی و سیاست‌های حمایتی هشدار داده‌اند. به گزارش «فارس» قیمت اقلام مشمول سبد کالابرگ تاکنون یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان افزایش یافته در حالی که مبلغ کالابرگ پرداختی به مردم فقط یک میلیون تومان است. بنابراین «تاکنون کالابرگ ۶۰ درصد از گرانی‌ها عقب مانده است.» از این رو موضوع افزایش مبلغ کالابرگ در کمیسیون‌های تخصصی دولت در دست بررسی است. حسین امامی‌راد، نماینده مجلس نیز تاکید کرده بود که «مبلغ کالابرگ باید قوا بازنگری و افزایش یابد». با وجود این، مسئولان همچنان بر ادامه نظارت بر بازار و کنترل قیمت‌ها تاکید دارند. رضا کنگری، رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی در این خصوص گفت: «در حال حاضر کالاهای اساسی در بازار به وفور وجود دارد و در اغلب اقلام، کمبود جدی مشاهده نمی‌شود و شبکه توزیع نیز بدون اختلال در حال فعالیت است.» علیرضا رقیمی‌پور، رئیس سازمان دامپزشکی در اظهاراتی بیان کرد: در زمینه تولید گوشت قرمز نیز در حال حاضر بیش از ۹۰۰ هزار تن انواع دام سبک و سنگین تولید می‌شود که حدود ۹۵ درصد نیاز سالانه مردم ماست و هر سال حدود ۷۵ هزار تن نیز واردات داریم که به طور مستمر و بر اساس نیاز انجام می‌شود. بنابراین افزایش قیمت گوشت در یک سال اخیر به عوامل دیگری غیر از کاهش تولید ربط دارد.

فاطمه مقصودی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس نیز در یکی از اظهارنظرهای اخیر افزایش‌های چند ده درصدی را گران‌فروشی دانست نه گرانی. وی تاکید کرد که نظارت‌ها باید تشدید شود. در این راستا علی فرهادی، رئیس سازمان تعزیرات حکومتی از بررسی ۱۴۰ هزار پرونده گران‌فروشی و ۱۱۷۰ پرونده احتکار خبر داد. با این حال، بررسی قیمت‌ها در فروشگاه‌ها و بازار نشان می‌دهد بسیاری از اقلام خوراکی همچنان با نوسان قیمت روبه‌رو هستند. اما آنچه بیش از همه برای خانواده‌ها اهمیت دارد، تاثیر مستقیم این افزایش قیمت‌ها بر سبد خرید روزانه است. بسیاری از خانوارها حالا ناچارند بخشی از خریدهای قبلی خود را کاهش دهند یا کالاهای ارزان‌تر را جایگزین کنند. فروشنده یکی از سوپرمارکت‌های جنوب تهران می‌گوید: «قبلا مردم خرید هفتگی می‌کردند، الان بیشتر خریدها محدود و روزانه شده. خیلی‌ها اول قیمت‌ها را حساب می‌کنند و بعد تصمیم می‌گیرند چه چیزی بخرند».

یکی از مشتریان نیز می‌گوید: «قبلا گوشت را راحت‌تر می‌خریدیم، الان بیشتر از مرغ و تخم‌مرغ استفاده می‌کنیم. کالابرگ کمک می‌کند، ولی قیمت‌ها هم مدام بالا می‌رود.» برای بررسی دقیق‌تر وضعیت، می‌توان یک سبد حداقلی خوراکی برای یک خانواده چهار نفره را در نظر گرفت: سبدی شامل ۱۰ کیلو برنج، سه کیلو مرغ، دو کیلو گوشت، دو کیلو تخم‌مرغ، دو بطری روغن، مقداری حبوبات، لبنیات، چای، رب گوجه‌فرنگی و ماکارونی. بررسی قیمت این اقلام با نرخ‌های فعلی بازار نشان می‌دهد هزینه تامین چنین سبدی به حدود هفت تا ۱۰ میلیون تومان در ماه می‌رسد؛ رقمی که تنها مربوط به خوراک خانوار است. این در حالی است که هزینه خوراک فقط بخشی از مخارج ماهانه خانواده‌ها را تشکیل می‌دهد و همزمان هزینه‌هایی مانند اجاره مسکن، حمل‌ونقل، قبوض، درمان و آموزش نیز افزایش یافته است؛ مسئله‌ای که باعث شده مدیریت بودجه ماهانه برای بسیاری از خانوارها دشوارتر از گذشته شود. در چنین شرایطی، کالابرگ به یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایتی تبدیل شده است. بر اساس سیاست فعلی، به ازای هر نفر ماهانه یک میلیون تومان اعتبار کالابرگ اختصاص داده می‌شود؛ بنابراین یک خانواده چهار نفره می‌تواند چهار میلیون تومان اعتبار خرید داشته باشد. مقایسه این رقم با هزینه سبد حداقلی خوراکی نشان می‌دهد کالابرگ می‌تواند حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد هزینه این سبد را پوشش دهد. به بیان دیگر، اعتبار کالابرگ اگرچه بخشی از فشار خرید روزانه را کاهش می‌دهد، اما همچنان با هزینه واقعی تامین کالاهای اساسی فاصله قابل توجهی دارد. برخی کارشناسان معتقدند در شرایط فعلی، سیاست کالابرگ بیشتر نقش «ضربه‌گیر تورم» را ایفا می‌کند؛ ابزاری که می‌تواند بخشی از فشار افزایش قیمت‌ها را کنترل کند، اما برای حفظ قدرت خرید خانوارها نیازمند بازنگری متناسب با نرخ تورم است. واقعیت این است که بازار کالاهای اساسی در ماه‌های اخیر تحت تاثیر مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی و شرایط جنگی قرار گرفته و همین مسئله، کنترل قیمت‌ها را دشوارتر کرده است. با وجود این، بسیاری از خانواده‌ها همچنان تلاش می‌کنند با مدیریت مصرف، تغییر الگوی خرید و استفاده از حمایت‌هایی مانند کالابرگ، هزینه‌های زندگی را کنترل کنند. شاید امروز کالابرگ نتواند تمام هزینه سبد خوراکی خانوار را پوشش دهد، اما برای بخشی از جامعه به یکی از ابزارهای حفظ حداقل قدرت خرید تبدیل شده است؛ ابزاری که در شرایط فعلی، اهمیت آن بیش از گذشته احساس می‌شود.

برش

چند ریشتر زلزله در تهران خطرناک است؟

رئیس سازمان مدیریت و پیشگیری مدیریت بحران می گوید: «این زلزله معنای خاصی ندارد. یعنی به این معنا نیست که زلزله بزرگتری در راه است. چون زلزله قابل تشخیص نیست.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایران، تهران لرزید. از ساعت حدود ۸ شب ۲۲ اردیبهشت فعالیت لرزه‌ای در شرق تهران و در فاصله ۸ کیلومتری پردیس با وقوع زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۳.۴ به‌طور محسوس آغاز شد؛ لرزشی که بسیاری از ساکنان مناطق مختلف تهران، پردیس و دماوند آن را احساس کردند.

پس لرزه‌ای هم از آن زمان تا صبح چهارشنبه در پردیس احساس شده و همین نگرانی مردم برای وقوع زلزله‌ای بزرگ‌تر را به دنبال داشته است. اما رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران معتقد است، وقوع زلزله‌های متعدد به معنای وقوع زلزله‌ای بزرگ‌تر نیست.

علی نصیری رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران با بیان این مطلب می گوید: «از شب سه‌شنبه تا ظهر چهارشنبه شرق استان تهران در محدوده پردیس بارها لرزیده است.» او در مورد این پس لرزه‌ها می گوید: «پس لرزه‌هایی از یک و نیم ریشتر تا شش دهم ریشتر در این مناطق رخ داده است. البته گسل پردیس و بخش‌هایی از گسل شمال تهران نیز فعال شده است».

دستگاه‌های امدادی آماده‌باش هستند

به گفته رئیس سازمان مدیریت بحران شهر تهران، آماده‌باش نسبی به دستگاه‌ها اعلام شده است. او با بیان اینکه چه زلزله بیاید و چه نیاید گروه‌های امدادی از آمادگی لازم برخوردار هستند، می گوید: «برخی از گروه‌های امدادی مانند آتش‌نشانی، اورژانس و... ماهیت امدادی دارند و در آماده‌باش دائم قرار دارند. به سایر دستگاه‌ها هم اعلام هوشیارباش بیشتر داده شده است.

همچنین مطالب آموزشی مورد نیاز مردم که باید به آن دسترسی داشته و آشنا باشند در فضای مجازی و از طریق کانال‌های رسمی سازمان مدیریت و پیشگیری مدیریت بحران و جمعیت هلال احمر در دسترس قرار گرفته است.» نصیری معتقد است، معمولاً زلزله‌های کوچک که کمتر از پنج و نیم ریشتر هستند خیلی خسارات مهمی ندارند، ولی اگر زلزله‌های بزرگ‌تر اتفاق بیفتد، ممکن است اثرات مخرب سازه‌ای و غیرسازه‌ای داشته باشد، بنابراین مردم باید هوشیار باشند.

او می گوید: «از مردم می‌خواهیم ملاحظاتی را که در طول سال به طور دائم اعلام می‌کنیم، در این ایام جدی بگیرند و به موارد ایمنی بیشتر توجه کنند. مثلاً از خوابیدن زیر پنجره، لوستر و تابلوهای بزرگ خودداری کنند. محل‌های امن خانه و محل کار را شناسایی کنند و در لحظه وقوع زلزله همه باید در این مکان‌های امن پناه بگیرند. اگر خواستند از ساختمان خارج شوند باید بعد از توقف لرزش‌ها با آرامش و سرعت کافی از ساختمان خارج شوند تا در هنگام خروج دچار آسیب نشوند.» رئیس سازمان مدیریت و پیشگیری مدیریت بحران می گوید: «این زلزله معنای خاصی ندارد. یعنی به این معنا نیست که زلزله بزرگتری در راه است. چون زلزله قابل تشخیص نیست. بنابراین به لحاظ فنی بی معنی است که بگوییم امشب یا فردا شب با وقوع زلزله شش دهم، ریشتری زلزله بزرگتری در پیش خواهیم داشت.»

نصیری با تأکید بر آمادگی مدیریت بحران توضیح می‌دهد: «تلاش بر این بوده که زیرساخت‌های ایمنی برای شهر پیش‌بینی شود. پایگاه‌های مدیریت بحران که نقش فرماندهی محلی را دارند و مکان‌هایی برای اسکان مردم نیستند، در حالت آماده‌باش قرار دارند. دیوی اقلام در این مراکز انجام و به روزرسانی شده است. همچنین تعداد پایگاه‌های مدیریت بحران به نسبت سال گذشته دو برابر شده است. البته جمعیت آموزش دیده هم امروز به نسبت دو سال قبل افزایش داشته است. در حال حاضر بیش از یک میلیون شهروند تهرانی در حوزه بحران آموزش دیده‌اند.» او با اشاره به تجهیز ماشین‌آلات امدادی و عملیاتی می گوید: «ماشین‌آلات آوار برداری و امدادی توسط سازمان آتش‌نشانی و سازمان مدیریت بحران خریداری یا به روزرسانی شده‌اند. در حوزه تجهیزات هم وضعیت خیلی بهتر از دو سال گذشته است.»

نصیری می گوید: «ان‌شاءالله که زلزله اتفاق نیفتد ولی مردم، مطمئن باشند. دستگاه‌های امدادی از آمادگی کافی برخوردار هستند. هر چند یا نقطه مطلوب فاصله داریم، اما امروز به نسبت سال‌های گذشته در وضعیت خوبی قرار داریم.»

جنگ، آمادگی دستگاه‌ها را افزایش داده است

او با اشاره به وجود ۱۱۲ پایگاه فعال مدیریت بحران در تهران توضیح می‌دهد: «تعداد پایگاه‌های مدیریت بحران در شهر تهران ۱۱۲ پایگاه است. در هر منطقه یک پایگاه ویژه داریم یعنی ۲۲ پایگاه ویـژه در تهران وجود دارد. در بقیه مناطق هم، پایگاه‌های معین قـرار دارد که اگر لازم بود در اختیار استان‌های معین قرار می‌گیرد و بقیه پایگاه‌ها هم پایگاه‌های پشتیبانی هستند.» نصیری با اشاره به برگزاری مانورهای مختلف برای بالا بردن آمادگی نیروهای امدادی می گوید: «مانورهای مختلفی برگزار شده است. اما جنگ تحمیلی هم آمادگی دستگاه‌ها را بالا برده است. روزهای جنگ تحمیلی ۱۲ و ۴۰ روزه باعث شدند تا دستگاه‌ها عملیاتی‌تر شوند. به هر حال امیدوارم که نیاز نشود اما مردم مطمئن باشند نیروهای امدادی همانند ورزشکارانی که در مسابقات مختلف شـرکت کرده‌اند و از آمادگی خوبی برخوردار شده‌اند در وضعیت مطلوبی قرار دارند.» رئیس سازمان مدیریت و پیشگیری مدیریت بحران از مردم می‌خواهد با مراجعه به سایت مدیریت بحران و کانال‌های رسمی این سازمان در پیام‌رسان‌های بله و ایتا در جریان آموزش‌ها و هشدارهای این سازمان قرار بگیرند و نقشه مناطق و پایگاه‌های بحران را مورد بررسی قرار بدهند.